آخر خط

سارق نفس بریده دستگیر شد

ابوعطا| از لحظه ای که مرد با دوچرخه از پارکینگ یک ساختمان خارج شد، تیم گشتی پلیس متوجه او شد. از چهره اش مشخص بود که اعتیاد شدیدی دارد و قامت کشیده و به شدت لاغرش نیز گواه آن بود. با این شرایط نشستن او روی زین دوچرخه کمی عجیب بود؛ از قضا تلوتلو خوردن های دوچرخه هنگام حرکت نشان می داد که مرد قدبلند نه تنها تعادل ندارد، بلکه به سختی دوچرخه راکنترل می کند تا از روی آن سقوط نکند. همه این ها ظن مأموران کلانتری شهرک فراجا را برانگیخت، به ویژه اینکه آن ها از مدتی قبل گزارش های سریالی سرقت دوچرخه رانیز دریافت کرده بودند. مأموران در بولوار فکوری این فرد را شناسایی کرده بودند و به تعقیب او پرداختند. از یک جا به بعد، انگار سارق هم متوجه این تعقیب نامحسوس شده بود؛ زیرا بی اعصاب تر دوچرخه را پیش می برد و نزدیک بود چندبار تصادف کند. پلیس در بولوار لادن به این قایم باشک بازی پایان داد و این فرد راکه دیگر نفسش بریده بود، متوقف کرد. متهم که در بازجویی های اولیه مدعی بود مالک دوچرخه است، در بازجویی های فنی مأموران انتظامی دچار تناقض گویی شد و به ناچار به سرقت دوچرخه از داخل مجتمع مسکونی اعتراف کرد که با راهنمایی متهم، مالک شناسایی و دوچرخه به وی تحویل شد. متهم سی وچهار ساله که فردی معتاد و سابقه دار است، پس از انتقال به کلانتری در چند مرحله بازجویی به چهارده فقره سرقت از مجتمع های مسکونی در محدوده بولوار وکیل آباد، برونسی، اقبال، صدف و معلم اعتراف کرد. متهم پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

روی خط حادثه

ردپای سارق سابقه‌دار در دزدی طلا

جلائیان| در همان بدو ورود، اعضای یک خانواده در منطقه برونسی با دیدن قفل بازشده در و فرش کثیف خانه، متوجه ورود شخص غریبه‌ای به خانه‌شان شدند. هرچند به جز بازشدن قفل و رد پا، دیگر وسایل خانه دست نخورده به نظر می‌رسید، اما آن‌ها که فقط یک شب خارج از خانه بودند، به بررسی دقیق اموال خود پرداختند تا اینکه متوجه جای خالی ۷۳گرم طلا شدند که در یک کمد نگهداری می‌شد. درحالی‌که اعضای این خانواده همچنان به بررسی اموال خود مشغول بودند، موضوع سرقت را به پلیس اعلام کردند؛ گزارشی که تیمی ازکارآگاهان پلیس آگاهی مأمور رسیدگی به آن شد. کارآگاهانی که پس از حضور در محل، تحقیقات میدانی خود را با هدف شناسایی سارق آغازکردند. تیم تحقیق ضمن انجام تحقیقات میدانی و پس از بررسی افرادی که صاحب‌خانه به عنوان مظنون از آن‌ها نام می‌برد، به سرنخ‌هایی دست پیدا کرد که آن‌ها را به یک متهم سابقه‌دار رساند؛ متهمی که مأموران با استفاده از بانک اطلاعاتی مجرمان سابقه‌دار، موفق به شناسایی و ردزنی محل اختفایش شدند. باکشف محل اختفای متهم، مأموران پس از هماهنگی با مقام قضایی، او را در عملیاتی ضربتی دستگیر کردند. در بازرسی از محل اختفای متهم، طلاها پیدا نشد؛ موضوعی که متهم با استدلال به آن منکر دزدی طلاها می‌شد. انکارهایی که سرانجام پس ازکشف مستندات جدید و پیداشدن تصاویری از متهم در محدوده وقوع جرائم پایان یافت. متهم پس از مواجهه با مستندات پلیس به سرقت ۷۳گرم طلا به ارزش ۸میلیارد ریال اعتراف کرد.

خریدهای زن جوان باکاغذهای رنگی بی‌اعتبار!

جلائیان| زن جوان واردیکی از واحدهای تجاری در محدوده نواب صفوی شد و شروع به انتخاب اجناس مدنظرش کرد. او آن قدر راحت خرید می‌کرد که فروشنده را به وجد آورده بود. خرید که تمام شد، زن جوان دست درکیف پولش کرد و بدون یک ریال چانه زدن، همان مبلغی که فروشنده از او خواسته بود، تراول چک پرداخت کرد. مشتری وسایلش راگرفت و رفت. چند دقیقه بعد از رفتن این زن، مالک فروشگاه با بازکردن دخلش، به تراول چک هایی که شاگرد نوجوانش از این زن گرفته بود، مظنون شد. او تراول ها را یکی پس از دیگری بررسی کرد و متوجه تقلبی بودن تمامی آن‌ها شد. مالک فروشگاه بلافاصله با پلیس تماس گرفت و موضوع راگزارش کرد. به دنبال این تماس، بلافاصله مأموران کلانتری نواب صفوی مشهد با حضور در این واحد تجاری متهم را چهره‌زنی کردند. با به دست‌آمدن چهره این زن، مأموران بلافاصله به گشت‌زنی هدفمند در مسیر حرکت متهم پرداختند. تلاش پلیس برای ردزنی و شناسایی متهم ادامه داشت تا اینکه مأموران این زن را حین خرید از یک واحد تجاری دیگر شناسایی و بلافاصله دستگیر کردند. پس از دستگیری این زن در بازرسی از او ۳۶ قطعه چک پول جعلی ۵۰۰هزارریالی کشف شد.

شناسایی سارق سیاه‌پوش در میان خودروها

جلائیان| مأموران یکی از تیم‌های پیشگیری پلیس، نیمه شب گذشته در منطقه امام خمینی(ره) مشغول گشت‌زنی بودند که در میان خودروهای پارک‌شده متوجه حضور جوان سیاه‌پوش در میان خودروهای پارک‌شده شدند. خودروی گشت پلیس برای بررسی موضوع به سمت این جوان رفت؛ اما مظنون با دیدن پلیس از مخفیگاهش خارج شد و پا به فرار گذاشت. فراری که ظن مأموران را تبدیل به یقین کرد. مأموران با فرار مرد جوان به تعقیبش پرداختند و سرانجام او را پس از طی یک مسافت کوتاه، متوقف و دستگیر کردند. متهم پس از دستگیری منکر ارتکاب هرگونه جرمی می‌شد تا اینکه مأموران در بازرسی از محلی که اولین بار متهم را دیده بودند، موفق به‌کشف دو دستگاه کامپیوتر خودروی مسروقه شدند. باکشف این دو قطعه سرقتی، متهم به مقر پلیس منتقل شد و در بازجویی فنی پلیس به ۹ فقره سرقت کامپیوتر خودرو اعتراف کرد.

پلیس مشهد با ورود به باغ اوباش، از یک دعوای خونین جلوگیری کرد

قداره‌بندها در بند پلیس

سهیل دیبا

گزارش

ماجرای این پرونده به چند هفته پیش بازمی‌گردد که دو گروه از اراذل و اوباش در مشهد به جان هم افتاده و با انواع سلاح از خجالت یکدیگر درآمدند. در این نزاع خونین میان قداره بندهای خشن، دو نفر چنان زخمی شدند که توان ایستادن روی پا رانداشتند و با اعلام موضوع به اورژانس، پیکر نیمه جان این افراد به بیمارستان منتقل شد. با تلاش کادر پزشکی این افراد از خطر مرگ جستند، اما سریال نزاع این افراد که گفته می شود بر سر اختلافات ملکی بوده است، وارد فاز خشونت بارتری شد و آن ها برای تقابل جنون آمیز بعدی آماده می شدند که پلیس مشهد پیش دستی کرد و جلوی این نزاع راگرفت.

با تمام شدن نزاع دو هفته قبل در منطقه سیس آباد در جاده سیمان، افسران کلانتری خواجه ربیع با دستور سرهنگ احمد زمانی، رئیس این کلانتری، پس از تشکیل پرونده تحقیقات خود را درباره این موضوع آغازکردند.

سرنخ هایی از یک نزاع تازه

بررسی ها نشان داد که این نزاع در پی اختلاف های قبلی میان دو دسته از اراذل و اوباش منطقه رخ داده است و دو نفر مصدوم نیز با هویت معلوم به بیمارستان منتقل شده اند. بررسی ها ادامه یافت تا اینکه پلیس به اطلاعات تازه‌ای دست یافت که نشان می‌داد این افراد در حال تدارک یک قرار دیگر برای نزاعی خونین تر از قبلی هستند.

سرهنگ زمانی از افسرانش خواست تا با دقت این پرونده را پیگیری کنند تا بتوانند جلوی این نزاع خسارت بار را بگیرند. افسران کلانتری، تحقیقات جامعی را آغاز کردند. باگذشت چند روز پلیس متوجه شد که گروهی از این افراد در بولوار رسالت (جاده سیمان) به بهانه مهمانی دور هم جمع شده اند. از این مهمانی بوی خون به مشام می رسید، تحقیقات محرمانه پلیس نیز این موضوع را ثابت کرد و مشخص شد که این افراد قصد دارند آن شب برای نزاعی مسلحانه با سلاح گرم و سرد به صورت گروهی به مکانی نامعلوم بروند و با گروه رقیب درگیر شوند. با توجه به حساسیت ماجرا و احتمال وقوع قتل در این نزاع، این موضوع به رئیس کلانتری اعلام شد و پس از هماهنگی های لازم، دستورات ویژه‌ای برای دستگیری این افراد پیش از خروج از باغ ویلا به قصد نزاع صادر شد.

ورود به پاتوق متهمان

در ادامه چهار گروه عملیاتی پلیس پس از توجیه و آموزش های لازم در صحنه درگیری، با هدایت رئیس کلانتری خواجه ربیع راهی محل باغ ویلا در انتهای جاده سیمان شدند. مأموران با محاصره و رصد باغ ویلا از حضور تعداد زیادی از متهمان در این مکان اطمینان پیدا کردند و با هماهنگی قضایی در اقدامی ضربتی وارد این باغ شدند و پیش از آنکه این افراد بتوانند واکنشی نشان دهند، همه شرکت کنندگان در این مهمانی شرورانه دستگیر شدند.

پلیس در ادامه پس از دستگیری ۹ متهم، پنج خودروی سواری را توقیف کرد و پس از بازرسی باغ و خودروها، موفق به کشف یک قبضه اسلحه وینچستر دولول به همراه ۴۳ عدد گلوله، یک قوطی حاوی پنج گلوله اسلحه کلت جنگی، دو قبضه شمشیر، قمه، تبر بلند، سه قبضه چاقو، یک ساطور و سه چماق شد که همه این وسایل برای استفاده در نزاع جمع شده بود.

اعتراف به نقشه کشی برای دعوا

مأموران با تیزبینی، برخی از این گلوله ها را از لابه لای علف های انتهای باغ که متهمان مخفی کرده بودند، کشف کردند. اسلحه وینچستر وگلوله هایش از خودروی تیگو۷ کشف شد.

با انتقال متهمان به کلانتری و پس از تشکیل پرونده با اعتراف های متهمان، مشخص شد که ظن پلیس اشتباه نبوده و دورهمی این افراد برای برنامه ریزی نزاع بوده است و آن ها نقشه شروع و حمله و چگونگی درگیر شدن باگروه رقیب را تمرین می کرده اند.

خودروهای توقیفی به پارکینگ منتقل شد و متهمان نیز برای رسیدگی به جرائمشان به دادسرا معرفی شدند. در این پرونده با تیزهوشی پلیس و پیگیری های مستمر افسران کلانتری خواجه ربیع جلوی یک نزاع خونین که ممکن بود به قتل نیز منتهی شود، گرفته شد.

عکس: اختصاصی شهرآرا

حادثه داغ

تقابل شوکا، هندا و گالکسی در خط بی‌آرتی

جلائیان| برای برخی از راکبان جوان موتورسیکلت، هیچ‌گاه مسیر بسته نیست؛ حتی اگر چراغ راهنمایی در تقاطع ها قرمز یا خیابانی مسدود باشد، راکبان موتورسیکلت به شکلی مسیر خود را باز می‌کنند. موضوعی که معمولا موجب بروز سوانح رانندگی زیادی می‌شود، همچون سانحه ای که در بولوار طبرسی رخ داد؛ بولواری که بسیاری از راکبان موتورسیکلت، مسیر ویژه اتوبوس بی آرتی را مسیر اختصاصی خود می دانند. در آخرین سانحه ای که در این مسیر برای موتورسواران رخ داد، سه موتورسیکلت هندا، گالکسی و شوکا وارد مسیر ویژه اتوبوس شدند. هر سه این موتورسیکلت ها با سرعت زیاد در مسیر بی آرتی بولوار طبرسی حرکت می‌کردند که با یکدیگر برخورد کردند. شهروندانی که شاهد این سانحه بودند، اورژانس و پلیس را در جریان قرار دادند و به یاری مصدومان رفتند. با حضور امدادگران در محل سانحه، مشخص شد که در میان راکبان موتورسیکلت، راکب بیست و یک ساله موتورسیکلت گالکسی بر اثر شدت برخورد، در دم جان باخته و دو راکب جوان دیگر نیز به شدت مصدوم هستند. امدادگران بلافاصله دو مصدوم و پیکر مرد جوان را به یک مرکز درمانی منتقل کردند؛ بیمارستانی که تلاش ها برای احیای جوان حادثه دیده نتیجه نداد، اما شرایط حیاتی دو مصدوم دیگر پایدار شد.

چوبان دروغگو دستگیر شد!

خبر

علی بابازاده| مرد سی ساله سال ها با صدای زنگوله گوسفندان، صبحش را آغاز کرده و با شمارش احشام پیش از غروب، کارش را به پایان رسانده بود. چوپانی که شجاعتش بین اهالی روستا زبانزد بود و همه معتقد بودند که این چوپان باتجربه حتی نیاز به سگ گله ندارد. یک روز صبح، چوپان همچون روزهای دیگر باگله ای بزرگ به دشت رفت؛ اما برخلاف همیشه حوالی ظهر با پیراهن پاره، خود را به روستا رساند. روستائیان تصورشان این بود گرگ به‌گله زده است، اما روایت چوپان متفاوت تر از حمله گرگ بود.

یکی از اهالی به سرعت با مرکز فوریت های پلیس تماس گرفت. گروهی از افسران تجسس پاسگاه انتظامی توس به محل آمدند. چوپان برای کارآگاهان تعریف کرد که مشغول استراحت بوده که صدای عبور خودرویی سواری توجهش را جلب کرده است. او از جایش برخاسته که با یک وانت نیسان و چند جوان که صورت هایشان را با شال بسته بودند، روبه رو شده است. یکی از جوانان به بهانه پرسیدن آدرس، از خودرو پیاده شده؛ اما ناگهان با سلاح سرد او را تهدید کرده و با همدستی دیگر رفقایش او را زیر مشت و لگد گرفته و چهار گوسفند را بار وانت زده وگریخته اند.

سرقت احشام با این شگرد، یکی از جرائم رایج در منطقه است. مأمورانی که اظهارات او را یادداشت می کردند، ابتدا گفته های او را قبول کردند و هم زمان تحقیقات خود برای شناسایی خودروی متهمان را آغاز کردند. این درحالی بود که چوپان مدعی بود نتوانسته است حتی پلاک این خودرو را به خاطر بسپارد.

اولین سرنخی که مأموران پیگیری کردند، نحوه ورود خودرو از جاده به خاکی بود که آن را معمولا از روی آثار به جامانده لاستیک خودرو روی خاک پیدا می کنند؛ اما مأموران هیچ اثری از رد لاستیک پیدا نکردند و چوپان نیز نتوانست دلیلی منطقی برای این موضوع به پلیس تحویل دهد. این موضوع ظن پلیس را برانگیخت و با احتمال اینکه خود چوپان در این سرقت نقش داشته است، پرونده را پیگیری کردند.

با تاریک شدن هوا، مأموران که همچنان به چوپان مظنون بودند، به پاسگاه رفتند و ساعتی بعد در تماس با چوپان از او خواستند که برای ثبت اظهاراتش از صحنه سرقت به پاسگاه برود. مرد جوان وارد پاسگاه شد و آماده بود تا خبر پیدا شدن سارقان را بشنود، اما افسر پرونده از اظهارات دروغ چوپان پرده برداشت و انگشت اتهام را به سمت او گرفت.

همان لحظه عرق روی پیشانی چوپان نشست. دستانش شروع به لرزیدن کرد و در بازجویی های تخصصی نتوانست داستان سرقت را دوباره از ابتدا به همان شکلی که ابتدا گفته بود، بازگو کند و خیلی زود به تناقض گویی افتاد. مرد جوان به ناچار لب به اعتراف گشود و اعلام کرد که سارق گوسفندها خودش است.

درپی این اعتراف ها، تیم تجسس پاسگاه توس با هماهنگی قضایی به محل زندگی چوپان رفتند و پس از بازرسی از منزلش، گوسفندان را در آغل پشتی خانه او پیدا کردند. مأموران بلافاصله احشام سرقتی را به صاحبش برگرداندند. در ادامه متهم پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

عکس: تزئینی است
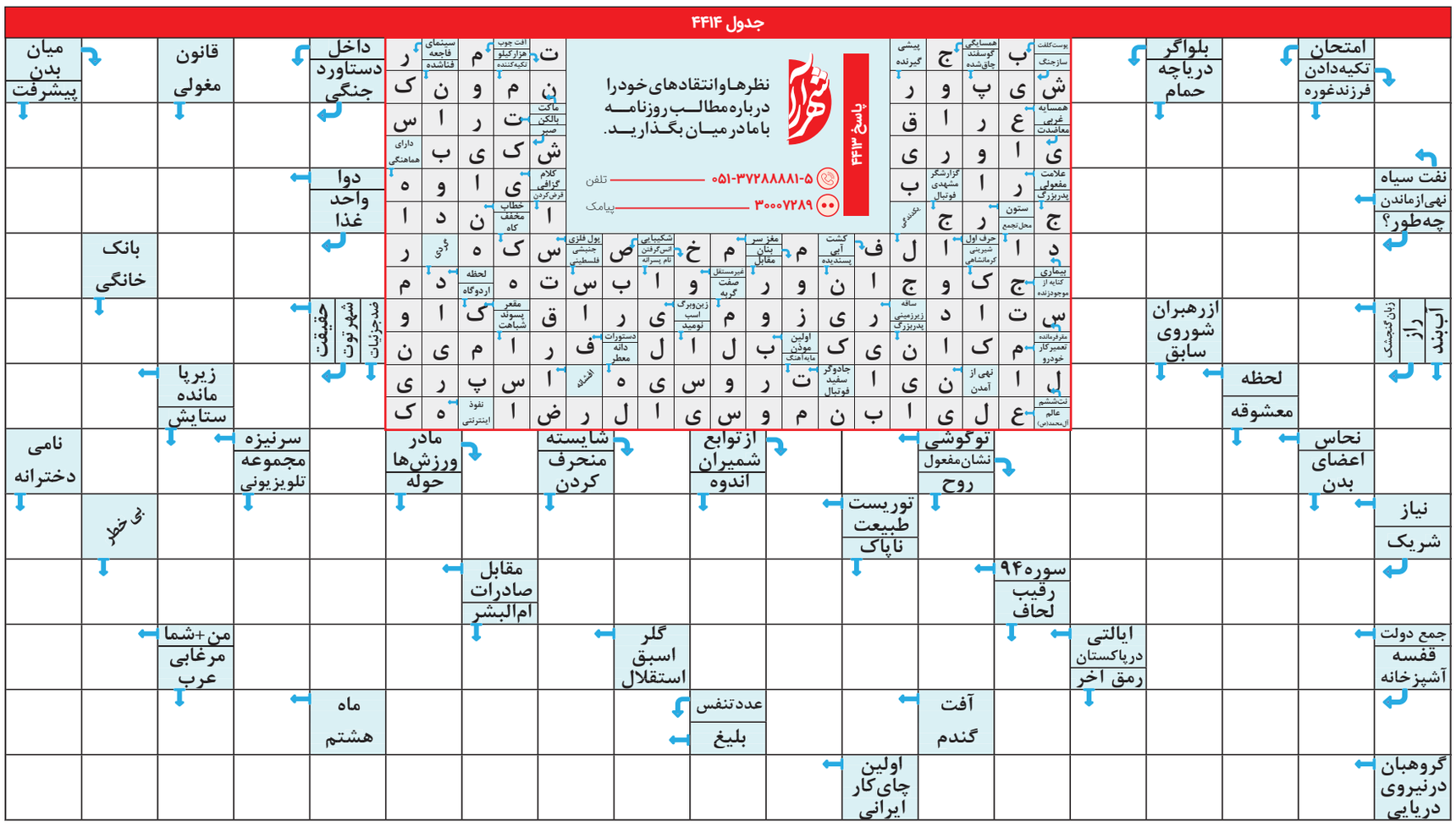
جدول ۴۴۱۴